

صبح ایران

فرهنگی
روزانه
فرهنگی

قدم به قدم در مسیر ظهور

باسیل عاشقان حضرت حجت (عج) به سمت مسجد جمکران، همراه شدیم

◀ صفحه ۱۱

هویت ایرانی

در آینه جشنواره فجر

جشنواره فجر ۴۳، بازتابی از هویت ملی و تنوع فرهنگی در جغرافیای چهار فصل ایران بود



◀ ۱۰

کمدی ایرانی

در برزخ خنده و تفکر

کارشناسان «مدرسه نقد» در نشست‌بی بررسی کمدی‌های معنادار و فرهنگ‌ساز در سینما پرداختند



◀ ۸۱

طلوع خورشید

با «طلیعه»

گفت‌وگو با عوامل برنامه رادیو قرآن که تلاش دارد امید را از طریق پخش آیات الهی منعکس کند



◀ ۶۱

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر امیرعلی حسنلو | مدیر گروه تاریخ و سیره در مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه

شیوه حکمرانی در حکومت مهدوی

است و بدون هیچ تساهل و تسامحی ریشه فسادگران را برمی‌کند و حق را به صاحبان آن برمی‌گرداند. در روایات آمده که:

۱. «اشرار را هلاک می‌کند و نیکان باقی می‌مانند.»

۲. «حدود خداوند بر خلق جاری می‌شود و خداوند حق را به اهلش بر می‌گرداند.»

۳. «حضرت، تمام منافقین را به قتل می‌رساند.»

۴. «حضرت، امر به عدالت دارد و آن را پیاده می‌سازد و نهی از منکر می‌کند و از آن دوری می‌جوید.»

۵. «قائم ما به عدالت حکم می‌کند و جور رفع و راه‌ها امن می‌شود.»

و بسیاری از روایات گویای این مطلب است که حضرت هیچ ظلم و فساد ی را پایدار نمی‌گذارد و «یملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما وجورا». اصول حاکم بر ساختار نظام سیاسی و چارچوب کلی حکومت مهدوی:

۱. الهی‌بودن حکومت

۲. اسلامی‌بودن قوانین

۳. مشروعیّت الهی مجریان؛ یعنی مجریان قانون باید افراد صالح و لایق باشند

۴. توجه به جایگاه مهم مردم به‌عنوان مبدأ شکل‌گیری و کارآمدی همه نهادهای حکومتی

۵. نظارت دقیق بر کارگزاران.

ب) ساختارها و نهادهای اداری به مقتضای گستردگی جامعه و زمان و مکان فرق می‌کند.

از روایات بسیاری استفاده می‌شود که روش حکومت امام‌زمان (عج) همان روش پیامبر اسلام (ص) است و قرآن را که قانون اساسی حکومتش است، محور قرار داده و آرمانی‌ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد می‌کند.

طبیعی است که براساس دستور قرآن، خیلی از امور را حضرت با مشورت انجام می‌دهد. روایتی از مشورت حضرت با یارانش:

یکی از یاران حضرت، سفیانی را دستگیر می‌کند و هنگام نماز عشاء او را نزد حضرت صاحب‌الامر می‌آورد.

امام (ع) با اصحاب خاص خود مشورت می‌کند و

آن حضرت جمع می‌شوند.»

در روایت دیگری آمده: «در زمان آن حضرت، کسی پیدا نمی‌شود که مستحق صدقه باشد؛ چون مردم و مؤمنین بی‌نیازند.»

عدالت در ادوری

قرآن برایایی قسط و عدل را از مأموریت‌های پیامبران برشمرده؛ مهم‌ترین مشکل جوامع امروزی مشکلات قضایی و حجم بالای پرونده‌های اجتماعی در قوه قضاییه است؛ این آسیب‌ها اقتضا می‌کند که مردم چشم‌به‌راه قضاوت درست و عدالت باشند؛ این مأموریت قرآنی در دوران حاکمیت آن حضرت محقق خواهد شد، لذا یکی دیگر از ویژگی‌های حکومت مهدوی، وجود دستگاه قضایی مقتدر در تمدن و حکومت اسلامی آن حضرت است؛ «در زمان حکومت حضرت، زنا، شرب خمر، ربا و... از بین می‌رود.» بنابراین زمینه‌های گناه از بین خواهد رفت و بستر سعادت و بندگی فراهم خواهد شد.

اوج آگاهی و عقلانیت

در این زمان یکی از نشانه‌های بلوغ عقلی جامعه، رشد دین‌گرایی است؛ «در زمان حکومت حضرت (عج) مردم به سوی عبادت و دیانت و شرع و نماز جماعت روی می‌آورند و....»

با عنایت به چنین شاخصه‌هایی برای حکومت امام مهدی (عج) می‌توان ادعان نمود اگرچه زمینه‌های گناه و فساد در این عصر بسیار محدود می‌شود، اما نمی‌توان گفت امور ناپسند به کلی از بین می‌روند و هیچ‌کس اقدام به گناه از فساد نمی‌کند، زیرا این مسأله با اختیار و تکلیف انسان در هر عصری منافات دارد؛ اما باوجود این، نصایح کریمانه امام مهدی (عج) همواره راه را برای گناهکاران و فاسدان می‌بندد و کارگزاران ایشان نیز همواره از پارسایان و شایستگان به‌شمار می‌آیند.

از روایات فراوانی می‌توان استفاده کرد که برخورد حضرت با منافقان و کفار و فسادگران قاطعانه

بی‌تردید دین مبین اسلام دارای حاکمیت و اصول و روش حکومت‌داری است و پیامبر(ص) برای تشکیل حکومت از طرف خداوند دستور و برنامه داشت. براساس آیات قرآن، این امر مسلم است که شایسته‌ترین انسان‌ها باید برای جوامع بشری حکومت تشکیل دهند تا زمینه اجرای احکام الهی و برپایی قسط و عدل فراهم شود و تمدنی الهی روی زمین شکل بگیرد؛ هر یک از انبیای الهی برای مدتی توانسته‌اند سیمایی از تمدن الهی را روی زمین نمایان سازند.

براین اساس، استمرار حکومت اسلامی پس از پیامبر اکرم(ص) بایسته بود که به‌دست شایسته‌ترین انسان‌ها اداره و تدبیر شود؛ ائمه(ع) به همین منظور از سوی خدا برگزیده شدند. پس از حکومت امیرمومنان (ع)، این شرایط جز در برهه‌ای کوتاه برای امام حسن(ع) فراهم نشد؛ براساس اخبار معتبر دینی و اشارات و نصوص قرآن درباره آخرالزمان و غایتمندی تاریخ انسان، تشکیل تمدن فراگیر اسلامی در سایه حکومت امام زمان (عج) خواهد بود؛ در این مقاله به برخی از ویژگی‌های حکومت مهدوی و تمدن اسلامی اشاره می‌شود.

حکومت امام مهدی(عج) با تمام حکومت‌های موجود در عالم متفاوت است و دارای این ویژگی‌هاست:

حاکمی معصوم و مقتدر

حاکمی که در کارهایش هیچ خطا و اشتباهی صورت نمی‌گیرد و عدالت را به‌نجو کامل پیاده می‌کند. امام موسی‌کاظم(ع) می‌فرماید: «آن حضرت، عدالت را در حق خلق رعایت می‌کند.»

فراوانی روزی

در زمان آن حضرت، به جهت این‌که خرد انسان در اوج است محوریت عقل موجب می‌شود مطامع کاهش یابد و این عاملی برای کاستن از حرص و طمع است تا مردم نیازمند نباشند؛ چنانچه از معصوم روایت شده: «اموال دنیا برای

دوشنبه‌نویشته‌ها

فیلم‌های بی هویت دوسر باخت !!

سال به سال بر توانمندی تکنولوژیک سینمای نوین ایران افزوده شده است. حالا سینمای پس از انقلاب می‌تواند مدعی هم‌ترازی با رشدیافته‌ترین سینمای جهان در زمینه تکنیک و انواع جلوه‌های ویژه و حتی قدرت در قصه‌پردازی باشد. فیلم‌هایی که در جشنواره امسال دیدیم، بی‌بروبرگرد جلوه بارزی از توانمندی فیلمسازان ایرانی در صحنه فناوری بود. خلاصه که سینمای حال حاضر کشور، هیچ چیزی در قیاس با جهان کم ندارد؛ اما همین سینما سال به‌سال نسبتش بافرهنگ و اندیشه و خصوصا ادبیات مذهبی و سبک زندگی ایرانی تضعیف و کم‌رنگ شده

است. چنین به‌نظر می‌رسد که همه هم‌وغم فیلمسازان معطوف به تکنیک و ایضا قاب‌های شیک و بعضا یاستوریزه بوده است. البته که این رویکرد تا آنجا که در خدمت جذابیت‌های ظاهری و نتیجتا جذب بیشتر مخاطب بوده و هست، قابل تأیید و دفاع است، ولی این همه به‌تنهایی کافی نیست که هیچ، حتی در رویکرد غالب به ضد خودش تبدیل می‌شود. درادوار پیشین، خصوصا طی دهه اخیر، سینمای ایران در هر گام رو به جلو دستخوش نفی اصالت ایرانی – اسلامی شده است، از همین رو خروجی سیاستگذاری‌ها، ریل‌گذاری‌ها و تلاش فردی فیلمسازان، فاقد کشش برای خواص و حسن و حال لازم برای مخاطبان انبوه شده است. مروری ذهنی نشان می‌دهد که در کمتر فیلمی میزانسن‌ها رنگ و بوی جغرافیای ایرانی دارند. آدرس و تابلو و اسم ایرانی دارند اما به دلیل لاغری نقش پژوهش، روایت‌ها یک جوری انگار در ناکجاآباد سپری می‌شوند، یا در کمتر فیلمی یک آدم دوست‌داشتنی فراموش‌نشدن ساخته وپرداخته وجود دارد. فکر کنید و ببینید مثلا در میان نزدیک به ۴۰ فیلم جشنواره، چند نفر کاریزوماتیک و تأثیرگذار بودند که شما دوست داشتید به جای آنها می‌بودید (برای مثال مانند قهرمان فیلم «نازودشت») یا برعکس چنان لج شما را در می‌آورد که می‌توانستید مایه‌آزای پلید آنها را در سطح خیابان و جامعه یا نشست‌ه بر مناصب مدیریتی و یا مهم‌تر در میان سران و حاکمان ضدانسان جهان شناسایی کنید. بله، دقیقا چون آثار نمایش داده شده به چنین سطحی از قوت نرسیده بودند به محض بالاآمدن تیتراژ پایانی، در ذهن شما هم تمام می‌شوند، یعنی همه چیز به باد فراموشی سپرده می‌شود، هیچ چیزی در حافظه مخاطب ثبت و ماندگار نمی‌شود، چرا که اساسا بطن و متن فیلم‌ها دارای مؤلفه‌ها و ویژگی اینجایی نیست. این عجیب نیست که حتی در فیلم‌ها از نماد و سمبل و تظاهرات مذهبی کمتر خبری هست. فیلم‌ها چنان محافظه‌کارانه سروسامان گرفته‌اند که در زیست آدم‌های داخل فیلم اثری از فرهنگ مذهبی و کنش‌های دینی و کلا توکل در رفتار و گفتار آدم‌های داخل قصه‌ها نیست (باکمتر هست). مثلا فیلم‌های همین جشنواره را در نظر بگیرید که به جز «موسی» و «اسفند» و دو سه‌تای دیگر، هیچ‌کدام دیگر واجد شخصیت‌های کنش‌مند باگرایش به سنن و آداب و رسوم مذهبی و آیین و مناسک ایرانی نبودند. انگار عوامل پشت دوربین از مقطع نوشتن تا اجرا در کشوری دیگر و سیاره‌ای جداگانه بوده و یاد چار ترس و خودسانسوری ناشی از فشارهای شبه‌روشنفکرانه در محیط فجازی بوده‌اند. بی‌تردید سقف تعداد تماشاگر برای فیلم مهم و درجه یک است. سرگرمی و تفریح، اولین مؤلفه لازمه هنر (به‌طور کلی و سینما به‌صورت مشخص) است اما اگر هنر و سینما در همین میدان متوقف بماند، یعنی شکست را قبول کرده است.

سینمای ایران تا آنجا که در دنیا مقامی کسب کرده، برای تکنیک و اکشن و معما نبوده است و در داخل نیز داشتن فیلم‌های پرتماشاگر حداقل انتظاری است که باید محقق شود؛ ولی رسیدن به این اصل مهم تازه شروع یکی از رویکردهای نهادینه درهنر است و حتی برای تحقق همین اصل تماشاگر پسندی هم شک تکنید که باید اصیل بود و با درونمایه‌های ریشه‌دار در فرهنگ و ارزش‌های این دیار نسبت برقرار کرد وگرنه همواره در وضعیتی دوسر‌باخت به‌سر خواهیم برد. هفته آینده این بحث را ادامه خواهیم داد.



محمدتقی‌فویم
منتقد سینما